

الأدب في سومر وأكاد:

ادبیات در سومر و اکد :

مؤشرات طفرة في الإدراك والفكر:

نشانه‌های جهش در درک و اندیشه :

الأدب باعتباره قارئاً ومقياساً للثقافة الإنسانية ولقدرة الإنسان على التفكير يجعلنا نضع الأدب السومري أو الأكادي (البابلي والاشوري) كملحمة جلجامش بنصوصها المختلفة دليلاً مهماً جداً على أن الإنسان منذ البداية المعروفة في سومر وأكاد التي سُجّلت ونُقلت بالرقم الطينية إلى اليوم هو ولم يتغير من ناحية القدرة على الإدراك والمعرفة، فالأدب مقياس مجرد لا يحتاج إلى آليات أخرى ربما تشوش - على المستخدم - دقة قراءته كمقياس كما هو الحال في الحضارة الصناعية والبناء والانشاء حيث يصعب على أي كان أن يجعلها مقياساً دقيقاً؛ كونها تعتمد على آليات أخرى خارجة عن إنسانية الإنسان مثل: تراكم الاختراعات وتراكم آلات الانشاء والصناعة التي يعتمد إنشاء بعضها على بعض، ومع ذلك فهي أيضاً مقياس ولكن يحتاج ربما استدلالاً للتوصل إلى النتيجة المطلوبة.

از آنجا که ادبیات، معیاری ممتاز برای سنجش فرهنگ بشر و توانایی انسان بر اندیشیدن به‌شمار می‌رود. ادبیات سومری یا اکدی (بابلی و آشوری) از قبیل حماسه گیلگمش که در قالب متون مختلفی روایت شده، دلیل و شاهی مهم بر این واقعیت است که توانایی اندیشه و شناخت انسان از همان اوان شناخته‌شده در سومر و اکد که در الواح گلی ثبت و نقل شده، تا امروز، تغییری نکرده است. ادبیات معیاری ایده‌آل برای اندازه‌گیری است که به ابزار دیگری که ممکن است دقت سنجش را بر کاربر مخدوش و مشوش

سازد، نیاز ندارد. درست مانند وضعیتی که در تمدن صنعتی و ساختمان‌سازی شاهد هستیم؛ زیرا استفاده از این شاخصه به‌عنوان مقیاسی دقیق دشوار می‌باشد؛ چرا که این صنعت، خود به ابزار و وسایل دیگری متکی است که از حیطة انسانیت انسان خارج می‌باشد. به‌عنوان مثال فراوانی اختراعات، فراوانی ابزار تولید و ماشین‌آلات صنعتی که تولید برخی، به برخی دیگر وابسته است. با این حال این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک مقیاس به‌کار گرفته‌شود، ولی برای رسیدن به نتیجه مطلوب به استدلال نیازمند می‌باشد.

فربما يقول بعض الناس: إِنَّ الْإِنْسَانِيَةَ تَقَدَّمَتْ كَثِيرًا فِي الْبِنَاءِ فَنَحْنُ الْيَوْمَ نَتِمَكَّنُ مِنْ بِنَاءِ نَاطِحَاتِ سَحَابٍ وَجَسُورٍ فِي عَرْضِ الْبَحْرِ وَبِالْتَّالِيِ فَهُوَ رُبَّمَا أَيْضًا يَحْكُمُ بِتَقَدُّمِنَا فِي الْفِكْرِ وَالْإِدْرَاكِ عَلَى أَسْلَافِنَا فِي سُوْمَرٍ، وَلَكِنْ لَوْ دَقَّقْنَا النَّظْرَ وَقَارَنَّا بَيْنَ زَقُورَةِ أَوْرَ الْتِي بَنَاهَا السُّومَرِيُّونَ وَبَيْنَ أَعْقَدِ الْإِنشَاءَاتِ الضَّخْمَةِ هَذِهِ الْأَيَّامِ فَسَنَحْكُمُ بِأَنَّهُ لَا يَوْجَدُ أَيُّ اخْتِلَافٍ فِي مَسْتَوَى الْفِكْرِ وَالْإِدْرَاكِ بَيْنَ الْمُهَنْدِسِينَ الَّذِينَ صَمَّمُوا وَنَفَّذُوا زَقُورَةَ أَوْرَ وَبَيْنَ أَقْرَانِهِمُ الصِّينِيِّينَ الَّذِينَ صَمَّمُوا وَنَفَّذُوا أَطْوَلَ الْجَسُورِ الْبَحْرِيَّةِ فِي الْعَالَمِ أَوْ الَّذِينَ نَفَّذُوا بِنَاءَ فَنْدَقٍ مِنْ ثَلَاثِينَ طَابِقًا أَوْ أَكْثَرَ خِلَالَ أَيَّامٍ قَلِيلَةٍ، وَالسَّبَبُ: إِنَّ الْمُهَنْدِسِينَ الصِّينِيِّينَ الْيَوْمَ يَمْلِكُونَ مَعْلُومَاتٍ تَجْرِبِيَّةٍ وَصِنَاعَاتٍ تَخْدُمُ الْإِنشَاءَ تَرَكَمْتُ عَلَى مَدَى طَوِيلٍ مِنْ تَارِيخِ الْإِنْسَانِيَّةِ، وَهَذِهِ لَمْ يَكُنْ يَمْلِكُهَا السُّومَرِيُّونَ لِأَنَّهُمْ يَمْتَلُونَ الْبَدَايَةَ، فَالْفَرْقُ بَيْنَ فَرِيقِي الْمُهَنْدِسِينَ السُّومَرِيِّ قَبْلَ آلَافِ السَّنِينَ وَالصِّينِيِّ الْيَوْمَ لَيْسَ فَرْقًا فِي الْفِكْرِ وَالْإِدْرَاكِ إِنَّمَا هُوَ فَرْقٌ فِي الْقُدْرَةِ الْخَارِجِيَّةِ الْمَتَوَفَّرَةِ، فَحَقِيقَةُ الْأَمْرِ هُوَ كَمَنْ تَعْطِيهِ الْيَوْمَ مَعَاوِلَ وَآلَاتٍ بَسِيطَةً وَمَعْلُومَاتٍ بَسِيطَةً عَنِ الْبِنَاءِ وَتَطْلُبُ مِنْهُ بِنَاءَ يَشْبَهُ زَقُورَةَ أَوْرَ وَآخِرُ تَعْطِيهِ آلَاتٍ ضَخْمَةٍ وَمَتَطَوَّرَةٍ وَكَمَا هَائِلًا مِنَ الْمَعْلُومَاتِ الَّتِي تَرَكَمْتُ لَدَيْنَا مِنَ التَّجَارِبِ السَّابِقَةِ وَكَمْبِيُوتَرَاتٍ وَبِرَامِجٍ مَتَنَوَّعَةٍ لِلتَّصْمِيمِ وَالْفَحْصِ وَتَطْلُبُ مِنْهُ بِنَاءَ جَسْرٍ يَرْبِطُ بَيْنَ الصِّينِ وَهَوْنِكُ كُونِكُ، بِالنِّسْبَةِ لِي لَوْ نَفَّذَ الْإِثْنَانُ مَا طَلَبْتَ مِنْهُمْ فَلَا يُمْكِنُ أَنْ

أحکم بفرق فکری أو قدرة على الادراك بين الاثنین وأعتقد أن أي عاقل
سیحکم بهذا الحکم.

شاید برخی افراد بگویند انسان در ساخت سازه‌ها بسیار پیشرفت کرده‌است؛ زیرا ما امروزه می‌توانیم آسمان‌خراش‌ها و پلهایی روی عرض دریاها ببینیم و از این رهگذر چنین حکم کنیم که ما نسبت به نیاکان سومری خود، در فکر و اندیشه و ادراک به پیشرفت‌هایی نائل گشته‌ایم. چنین نیست، زیرا اگر ما بین زیگورات اور# که سومریان بنا کرده‌اند و پیچیده‌ترین سازه‌های غول‌پیکر امروزی مقایسه‌ای انجام دهیم، درمی‌یابیم که بین سطح فکر و ادراک مهندسی‌نی که زیگورات اور را طراحی و اجرا کردند، با هم‌تایان چینی آنها، که طولانی‌ترین پلهای دریایی جهان را طراحی و عملیاتی نموده‌اند، یا هتلی سی‌طبقه یا بلندتر را فقط طی چند روز برپا نموده‌اند، هیچ تفاوت و اختلافی وجود ندارد. دلیل این عدم اختلاف آن است که امروزه مهندسان چینی از تجارب و ماشین‌آلاتی برخوردارند که در طول مدت‌های درازی از تاریخ بشر، تکامل و پیشرفت یافته است؛ ولی سومری‌ها که در واقع در آغاز راه قرار داشته‌اند، فاقد چنین ابزاری بوده‌اند. بنابراین مهندسان سومری که تاریخ آنها به هزاران سال پیش بازمی‌گردد و مهندسان چینی امروزی، در فکر و ادراک با هم اختلافی ندارند؛ بلکه تفاوت آنها در ظرفیت‌های خارجی موجود برای آنها می‌باشد. در واقع این مانند آن است که امروز به کسی بیل، ابزار ساده و اطلاعات اولیه‌ای از ساختمان‌سازی بدهیم و ساخت بنایی همچون زیگورات اور را بخواهیم. به طرف مقابل نیز ابزارآلاتی بزرگ و پیشرفته و نیز اطلاعاتی انبوه که از تجربه‌های پیشین، رایانه‌ها، برنامه‌های متنوع طراحی و بررسی در دسترس ما است، بدهیم و از او ساخت پلی که چین و هنگ‌کنگ را به هم متصل می‌کند، خواستار شویم. به نظر من اگر این دو، آنچه را که از آنها خواسته‌ایم به سرانجام برسانند، نمی‌توانیم به تفاوت اندیشه یا اختلاف قدرت درک این دو حکم برانیم و معتقدم که هر انسان عاقلی نیز این را می‌پذیرد.

(#)- "زیگورات اور" مانند سایر زیگورات‌ها، یکی از معابد ساخته‌شده توسط سومری‌ها است. آنها برای پرستش خدایان خود، پرستشگاه‌های مرتفعی می‌ساختند که شبیه هرم و دارای طبقات متعدد بود. کاهنان در این معابد به قربانی و نیایش می‌پرداختند. آخرین طبقه معبد مکانی بود که مجسمه رب‌النوع یا الهه در آن قرار می‌گرفت و هیچ‌کس جز بالاترین مقام روحانی شهر حق ورود به آنجا را نداشت. این بنای عظیم که ۵۰۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد، در سه طبقه ساخته شده‌است. با توجه به بقایای این بنای بزرگ، ارتفاع واقعی آن را ۶۰ متر تخمین زده‌اند. همچنین این معبد سومری‌ها بعداً در عصر نیونید، آخرین پادشاه بابلی، مرمت شده‌است. بنای فعلی زیگورات اور بیش از ۱۱ متر ارتفاع دارد. پایه‌های این بنا نیز در حال حاضر در ۲۴۰ کیلومتری شمال بغداد، در استان قادسیه و در غرب رود فرات (۱۵ کیلومتری جنوب شهر ناصریه) واقع شده است. رونق این زیگورات‌ها تا سال ۵۰۰ پ.م. که عصر ایرانی بین‌النهرین آغاز شد، ادامه یافت. (مترجم)

وبالنتیجة توصلنا إلى أنّ الحضارة السومرية من جهة البناء والإنشاء والصناعة والزراعة تمثل طفرة حضارية قطعاً بالنسبة للتاريخ السابق على وجودهم، وبالتالي فهي تؤشر طفرة في الفكر والادراك لدى السومريين لا يمكن تحديد بدايتها علمياً بدقة، ولكن المؤكد أنها بدأت قبل التاريخ المسجل المنقول بكثير ربما عشرات آلاف أخرى من السنين وهي تضعهم بنفس مستوانا في الفكر والادراك، ولكننا احتجنا في الحضارة المدنية مثلاً إلى تدقيق وضرب أمثلة ووضع مقارنة لكي نصل للنتيجة المطلوبة.

پس ما به این نتیجه رسیدیم که تمدن سومری از نظر ساخت و ساز، صنعت و کشاورزی، از وقوع یک جهش تمدنی نسبت به پیشینیان آنها حکایت دارد؛ و این خود از جهش در اندیشه و ادراک سومری‌ها پرده برمی‌دارد که البته نمی‌توان آغاز دقیق آن را به لحاظ علمی تعیین نمود. ولی قطعاً این فرآیند سال‌های مدیدی قبل از تاریخ ثبت شده و چه بسا ده‌ها هزار سال پیش از آن آغاز گشته‌است. این جهش، سومری‌ها را در همان سطح درک و اندیشه امروزین ما قرار می‌دهد، با این تفاوت که ما در تمدن شهری خویش، به عنوان مثال، در مواردی همچون مهارت و خبرگی، به نمونه‌های قابل توجه و قابل مقایسه نیاز داریم تا به نتیجه مطلوبی برسیم.

أما بالنسبة للنص الأدبي فأعتقد أنّ كل إنسان عندما يقرأ ملحمة جلجامش مثلاً سيرها أدباً يستحق أن يوضع في قمة الأدب الإنساني - لمن يعتقدونها

نتاجاً إنسانياً محضاً - وبالتالي سيحكم أن هناك طفرة حضارية وثقافية حصلت للإنسانية في سومر واکاد أو في العمق التاريخي لعشرات آلاف السنين الذي ترتبط به سومر واکاد، ويمكن قراءتها بأدوات الإدراك المتوفرة لدى كل إنسان سوي، وهذا يعني بوضوح أن هناك شيئاً جديداً دخل في معادلة الهومو ساپینس غيرُهُ بصورة جذرية من كائن بدائي بسيط تسيطر عليه أنانية البقاء إلى إنسان مدرك مفكر يحاول أن يكون ایتارياً في هذه الحياة ويحول رغبته للبقاء إلى رغبة في الخلود في عالم آخر مثالي خالٍ من الشر وممتلئ بالخير والأخلاق الطيبة.

در خصوص متون ادبی، من بر این باورم که به عنوان مثال هر انسانی با خواندن حماسه گیلگمش، آن را ادبیاتی می‌یابد که سزاوار است صدرنشین ادبیات بشر گردد - برای کسانی که آن را صرفاً یک دست‌آورد بشری تلقی می‌کنند - و از این رهگذر چنین حکم کند که در سومر و اکد، یک جهش فرهنگی و تمدن برای بشر در ژرفای تاریخ ده‌هزارساله که به سومر و اکد ارتباط دارد رخ داده است و امروزه امکان مرور آن به کمک وسایل ارتباطی متداول برای هر انسان معمولی وجود دارد. این یعنی آشکارا چیز جدیدی در معادله هوموساپینس وارد شده که آن را به طور ریشه‌ای دگرگون ساخته و او را از یک موجود ابتدایی و ساده - که خودخواهی بقا بر او سایه افکنده - به انسانی متفکر و آگاه تبدیل کرده است؛ انسانی که می‌کوشد در این زندگی ایتارگر باشد و او تمایل به بقا در این دنیا را به تمایل به جاودانگی در یک دنیای آرمانی دیگر که خالی از پلیدی و سرشار از خیر و اخلاق نیکو است، بدل نموده است.



شکل 16: زقورۃ اور

شکل ۱۶: زیگورات اور
